

## دزدی بی سابقه در ایران

## فوق العاده

در این بخش به اخبار و  
خاطرات جالب حدود  
۵۰ سال پیش پرداخته می شود.  
اخباری که از نظر نگارش تیتیر  
و محتوای بسیار متفاوت تر از  
اخباری است که این روزها در  
روزنامه ها چاپ می شود.

# کودک ربایه با پنجه خونین



به قرار تلگرافی که از نماینده اداره در اصفهان رسیده، چند روز پیش طفل کوچک آقای... را چند نفر با اتومبیل می ربایند، اقدامات آقای... و مامورین شهربانی برای پیدا کردن طفل به نتیجه ای نرسیده و هر چه بیشتر تفحص می نمایند کمتری از طفل به دست می آید.

تا این که بعد از چهار روز، نامه مشروحی با پست با امضای «گروه پنجه خونین» به آقای... می رسد که دزدان ایشان را تهدید نموده و می نویسند: «ما طفل را ربوده ایم. بایستی دو میلیون ریال «دویست هزار تومان» در محل معینی نزدیک قبرستان ارامنه گذارده و بهیچ وجه موضوع را تعقیب ننمائید و در صورتی که وجه را تحویل ندهید و یا نامه را بشهربانی ارائه دهید و در صدد تعقیب و دستگیری ما برآئید بطور قطع جنازه طفل را برای شما می فرستیم.» و ضمناً در نامه مزبور قید می کنند که جمعیتی به نام گروه پنجه خونین تشکیل شده و نیاز به پول دارد.

آقای... پس از دریافت نامه قضیه را به رئیس شهربانی اصفهان اطلاع داده و ایشان پس از مطالعه کامل و تهیه زمینه به آقای... دستور می دهند که یک چمدان بزرگ محتوی مقداری کاغذ در ساعت مقرر بمحل موعود میفرستید و طبق دستور ایشان یک چمدان که پر از کاغذ سفید بوده نزدیک قبرستان ارامنه گذارده می شود.

مامورین شهربانی با مهارت بسیار از دور ناظر وضعیت بوده و مشاهده می کنند که بعد از یک ربع ساعت دو نفر چرخ سوار با سرعت زیاد خود را به محل موعود رسانیده و همین که از چرخ پیاده شده، و می خواسته اند چمدان را بلند نموده و همراه خود ببرند با چابکی زیاد بی رنگ خود را به آنها رسانیده و هر دو نفر را دستگیر می نمایند.

دو نفر نامبرده هنگام بازجویی از معرفی خود سرپیچی نموده و بالاخره معلوم می شود یکی

از آنها اسمعیل و دیگری محمدعلی بوده و پس از یک رشته بازجویی دو نفر دیگر از همدستان خود را معرفی کردند.

آنها که حامل دو قبضه اسلحه با اتومبیل بوده و در ۹ فرسخی اصفهان (راه تهران) دستگیر می شوند. از قرار معلوم آنها اخیراً از تهران به اصفهان رفته بودند. گویا این اشخاص شرکای دیگری نیز در تهران دارند که اکنون برای دستگیری آنها مشغول اقدام می باشد.

رئیس شهربانی طفل آقای... را نیز در منزل توطئه کنندگان پیدا نموده و با ایشان تحویل می دهند و اهالی از اقدامات رئیس شهربانی و کشف این توطئه و جلوگیری از نظایر آن کمال قدردانی را دارند.

۲۸ مرداد ۱۳۲۳ روزنامه اطلاعات

## لواسان

کردن ماشینشان در برف ناپدید شد



ناپدید کند، این طوری دیگر مجبور نیست خسارت و بدهی و مهریه همسرش را بدهد.

### • چه شد که معتاد شدی؟

اعتیاد برمی گردد برای سال ها قبل. مادرم که عمرش را به شمداد، پدرم فیلش یاد هندوستان کرد و زن گرفت. زن با بایم هم اصلاً بوی مادر می نبرده بود و ما را اذیت می کرد. رفتارهای او و مرگ مادرم باعث شده بود افسرده شوم، دوستان پیشنهاد دادند مواد بکشم. حال خوب می شود، اما مواد کشیدم بدبخت تر شدم و زندگی ام رو به نابودی رفت.

### • شغل چیست؟

با ماشین برادرم کار می کنم. همان ماشینی که با آن به لواسان رفته بودیم.

تا سکه هم باشد حدود ۴۰۰ میلیون تومان باید پول بدهد، خب بهروز پولی نداشت که بخواهد به زنش بدهد. دوم این که یک نفر از او چهار میلیون تومان پول می خواست، اما بهروز پول نداشت بدهی اش را بدهد و از دست طلبکارش فراری بود. سومین موضوع هم برمی گردد به بچه برادر بهروز، بچه برادرش گوشی دختری را می دزدد یا این که کلاه سر دختری می گذارد و گوشی را برمی دارد، نمی دانم، اما بهروز گوشی را گردن گرفته و حالا باید یک گوشی هوشمند هم به آن دختر بدهد که قطعا برای خرید گوشی هم باید یک چیزی حدود دو یا سه میلیون تومان بدهد.

این سه موضوع باعث شده تا بهروز خودش را

گفت سگش سه تا بچه دارد و توله سگ ها را نمی خواهد. از آنجا که می دانستم بچه برادرم سگ دوست دارد به او گفتم که به لواسان می آیم و یکی از سگ ها را برای بچه برادرم می برم.

### • چه شد بهروز هم با تو آمد؟

راستش را بخواهید می خواست داخل ماشین مواد بکشد من اجازه ندادم. گفتم جلوی مردم زشت است، گفتم با من به لواسان بیاید و آنجا در خرابه یازمین مترو که ای مواد بکشد.

### • به نظرت چه اتفاقی برای بهروز افتاده است؟

فکر می کنم فرار کرده است.

### • برای چی فرار کرده؟

سه دلیل موجه و قانع کننده دارم که بهروز فرار کرده است. اول این که به تازگی با همسرش دچار اختلاف شده و همسرش درخواست طلاق داده و مهریه اش را اجرا گذاشته است. نمی دانم مهریه همسرش چقدر بود، اما می دانم که مبلغ سنگینی بود، هر چند با گرانی سکه حتی اگر مهریه او صد

تحقیقات از او همچنان ادامه دارد.

پدرام ۳۸ سال دارد، از دواج نکرده، اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارد و این موضوع را می شود از پوست به استخوان چسبیده و دندان های خرابش فهمید. هر چند که خودش هم به این موضوع معترف است.

### • چه اتفاقی برای بهروز افتاد؟

با بهروز رفتیم لواسان، اما برف زیادی آمده بود و ماشین داخل برف ها گیر کرد. من به بهروز گفتم داخل ماشین منتظر بماند تا بroom از اهالی زنجیر چرخ بگیرم. ۵ دقیقه هم نشده بود که برگشتم و دیدم بهروز نیست.

به هر جایی که فکرش را کنید سرزد، اما خبری از او نبود. من حتی فردای آن روز به پلیس خبر دادم و بعدش هم مقابل خانه بهروز رفته و از خانواده اش سراغ او را گرفتم، با خودم گفتم شاید به خانه برگشته باشد.

### • برای چه به لواسان رفته بودید؟

بچه برادرم تولدش است و خیلی سگ دوست دارد. یکی از دوستانم که لواسان باغ دارد به من

اینجانب سمیه کاظمی مالک خودرو سواری کار سوزوکی گرنند ویتارا به شماره شاسی NAAS39SE7GK960209 و شماره موتور J24B1288343، به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد، ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انتضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

**اجاره سند**  
سند مسکونی دارای پایان کار جهت مصوبه و وام بانکی، ضمانت نامه بانکی، سرمایه آزاد و خرید کالا موجود است.  
۰۲۱-۶۶۰۵۳۵۴۱ / ۰۹۱۹۸۸۱۹۳۱۳